

مغیبت در هر استخوان و در دست در هر برهن **حکمت**  
هر که بدی را بکشد خلق را از بلای او بر نه ند و ووی  
را از غدا آب خدای تعالی  
بسنده بر سرش خاشاک و بپوشد  
منه بر سرش خلق از مرهم  
نمانند آنکه رفته در باره که آن خلست به فرزند آدم  
تقیه از دشمن پذیرفتن خطاست و بپوشد کشیدن روایت  
تا بجلان آن کارگزی که آن عین هوا نیست **بیت**  
مذکر ز یاد دشمن گوید آن کن که بر تو آوزنی دست  
گردد در آئی نماید از سجون نیز از بزرگ بود راه دست چپ کی  
خشم پیش از هر کفرین و خشم آرد و لطفی وقت ایستاید  
نه چندان درستی کن که از تو بر سر که از نه میدان نه که از تو  
درستی و نه از تو ایست چه قانکه که در جرم هم ایست  
درستی که در دینش نه بر سر که از تو نه خورشید

نه خورشید را ز فرونی تند نه بیکاره تن از فرات تند  
چو آن بدگشتی و نه تند مرا تعلیم چه پیرانه یک بند  
بختا نیک مرد کن نه پندان که کرد چه کر که تیز زبان  
**حکمت** دو کس نشن ملک و دین اند یا دشمنی بی علم و  
عالمی بی علم **بیت** بر سر ملک میان آن ملک فرمان ده  
که در از انبوه بند نه توان بردار **بیت** یادش تا بید ما بادی خشم  
بر دشمنان بر اند که در دست ترا اعتمادی ندانست خشم اول اند  
خدا و نه خشم از تو پس که زبانه تا خشم رسد با ترسد  
نشاید بی آدم خاک زار که در سر کند کبر و تنزی با  
ترا با چنین تنزی و کبرش نه پندارم از خاک و از آشتی  
در خاک شمعان بر سیدم جاید کفتم مرا بر بیت از جهل پاک کن  
کتابیر و چو خاک کن ای فقیه یا مهر که خوانده بود از بر خاک کن  
بدخوی **بیت** بدست دشمنی که قمارست که مهر جا که میرود از فیکر

Handwritten marginal notes in Persian script on the left side of the page, including phrases like "و در هر استخوان" and "و در دست در هر برهن".

Handwritten marginal notes in Persian script on the right side of the page, including phrases like "مغیبت در هر استخوان" and "و در دست در هر برهن".

Copyright © King Saud University

نه خورشید را

تا خصلد سینه خاکی و ای